

اخبار فرهنگی

عضو شورای شهر تهران خبر داد احضار مسببان فروش تابلوهای موزه امام علی (ع) به مرجع قضایی



عضو شورای شهر تهران از احضار مسببان فروش تابلوهای موزه امام علی (ع) در دویی به مرجع قضایی خبر داد. «ناصر امانی» در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا دربارهٔ سرانجام پرونده فروش تابلوهای موزه امام علی (ع) در دویی گفت: نتیجه‌ای به ما اعلام نکرده‌اند. چون مرجع قضایی ورود کرده و پرونده تشکیل شده، ما طبیعتاً منتظریم چه نتیجه‌ای گرفته می‌شود. تاآن که چیز خاصی به ما اعلام نشده‌است. اینکه تابلوها در نمایشگاه شرکت داده شده‌اند و تعدادی از آن‌ها نیز به فروش رفته، قطعی است اما اینکه آیا تابلوهایی که رفته بودند به موزه بازگشته‌اند یا خیر، هنوز پاسخی به ما نداده‌اند.

او تلاش برای بازگشت تابلوهای به فروش رفته را ممکن ندانست و گفت: چگونه بخواهند آن‌ها را برگردانند؟ تابلوها در خارج از کشور فروخته شده‌و در ازای آن دلار گرفته‌اند. وی در تشریح تصمیم تکرار نشدن این اتفاق گفت: فکر می‌کنم همین نظارت ما و همین برخوردی که ما کردیم، مکانیاتی که اداره ارشاد کرد، ورود بازرسی کل کشور و دستگاه قضایی به این موضوع به اندازه کافی عبرت آموز بود تا دیگر از این تخلفات انجام ندهند.

عضو شورای شهر ششم به بیان اینکه آمار مشخصی از تابلوهای فاخر در اختیار شهرداری نداریم، گفت: فکر نمی‌کنم حتی شهرداری آمار داشته باشد، زیرا این‌ها همه در موزه‌های مختلف بخش شده‌اند. شاید هم داشته باشند، ولی ما تا این لحظه چنین آماری در اختیار نداریم. البته این‌ها از وظایف کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران است و شاید آن‌ها اطلاعاتی داشته باشند.

وی دربارهٔ افراد درگیر در این پرونده قضایی گفت: کسی بازداشت نشده، بلکه احضار شده‌اند و از آن‌ها تحقیق شده است. افراد احضار شده، مدیران دست‌اندر کار تحویل و خروج این تابلوها بوده‌اند که من به اسم آن‌ها نامی شناسم و از محتوای پرونده اطلاعی ندارم.



به مناسبت دهه فجر صورت می‌گیرد اختصاص یارانه جدید برای خرید کتاب به همه ایرانیان

مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران از اختصاص یارانه جدید خرید کتاب به همه ایرانیان به مناسبت دهه فجر و هفتمین دهه فجر انقلاب اسلامی ایران خبر داد و این اقدام را در راستای توزیع عادلانه یارانه فرهنگی، ترویج کتابخوانی و توجه ویژه به کتابفروشی‌ها به عنوان آخرین حلقه زنجیره نشر دانست.
ابراهیم حیدری در این روایت عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران گفت: در این طرح ویژه برای هر ایرانی تا سقف یک میلیون تومان خرید، ۲۵ درصد یارانه کتاب اختصاص یافته است که هم‌زمان هم به صورت حضوری از کتابفروشی‌های عضو طرح و هم به صورت غیر حضوری از بازار کتاب اینترنتی Bazaraketab.ir قابل استفاده است.



جشنواره کلکته میزبان «آوای ابرها» شد
انیمیشن کوتاه «آوای ابرها» به کارگردانی محمد طغملی و تهیه‌کنندگی هادی فیروزمندی،محصول مرکز فیلم جوان سوره به بخش رقابتی یازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان کلکته راه یافت. به گزارش ایلنا، این جشنواره از ۲۲ تا ۲۸ ژانویه برابر با ۲ تا ۹ بهمن سال جاری در شهر کلکته کشور هند برگزار می‌شود. جشنواره فیلم کودکان کلکته، با تمرکز بر دنیای پویا و کنجکاو کودکان و نوجوانان، فضایی آموزنده را برای آنها فراهم می‌کند. این رویداد با نمایش فیلم‌هایی از سراسر جهان، به کودکان کمک می‌کند تا جهان را از دریچه سینما ببینند، تخیل خود را آشکافا کنند و به پرسش‌های خود پاسخ دهند.



هفدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد برگزیدگان خود را شناخت

هفدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد در دو بخش «داستان بلند و رمان» و «داستان کوتاه» برگزیده‌داشت‌و در دویخش «مستندنگاری» و «نقد ادبی»منتخبان شایسته تقدیر معرفی کرد. به گزارش روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، هیات داوران هفدهمین جایزه ادبی جلال آل احمداسامی برگزیدگان و شایستهگان تقدیرایسن دوره از جایزه را به شرح زیر اعلام کرد:

داستان بلند و رمان – برگزیده: «سنگ اقبال» نوشته مجیدقیصری از نشر چشمه.شایسته تقدیر: «ختران قبیله جنگ» نوشته جواد افیمی از انتشارات خط مقدم، شایسته تقدیر: «دم اسبی» نوشته امید خاخرلی از نشر بان. مستندنگاری – شایسته تقدیر: «ساک کارخانه» پارچه‌های ناتمام چیت‌سازی بهشهر و سرگذشت آخرین کارگران» نوشته شیوا خادمی از نشر اطراف. داستان کوتاه – برگزیده: «آن پری از سبزپوش» نوشته صمد طاهری از نشر تیماز. شایسته تقدیر: «پرنده باز تهران» نوشته نادر رسولی از انتشارات هیلا. نقد ادبی – شایسته تقدیر: «دیرش روایی» نوشته بهمن نامور مطلق از نشر سخن، بخش جنسی؛ ویراستاری – در این بخش زهرا اخیریه به عنوان ویراستار بخش نقد ادبی کتاب «کیمیای کرامت»منتخب شد. تجلیل ویژه – به پیشنهاد هیات علمی این دوره از جایزه ادبی جلال آل احمد از گلعلی بابایی به دلیل مستندنگاری‌خانه منتشر شده‌اش از دوران دفاع مقدس تجلیل می‌شود.

درباره نمایش‌های «باغ دکتر کوک» و «تشنگان»

به صحنه آوردن خلاقانه نمایشنامه‌های معتبر غربی



محمدحسن خدایی

از «هملت» اوستر مایر و آثار باشکوه روبر تو چولی نیست و کسی از کاستولوچی و یوجین باربا برای سفر به ایران و انتقال تجربه دعوت نکرده و عنوان بین‌المللی جشنواره چندان که باید قاطبه اهالی تئاتر این مملکت را راضی نمی‌کنند. این یک مفرغی در زمینه حضور گروه‌های خارجی تا حدودی به مشکلات مالی بر گزار کنندگان مربوط بوده و صد البته در این بین از تحریم‌های ظالمانه امریکا و اروپا و شرکای اقتصادی‌اش هم نمی‌توان غفلت کرد. بنابراین جای تعجب نخواهد بود که تئاتر این روزها در بی ارتباطی با تئاتر روز جهان، بیش از پیش، درون‌گرا و درون‌زا شود و در خودماندگی را زندگی کند. همچنین که تعطیلی جشنواره تئاتر دانشگاهی، ضربه مهلکی به پیکر نحیف تئاتر بدنه وارد کرده و موجب فرآگیری سهل‌پسندی و ابتذال زیباشناسانه گروه‌های تئاتری شده است. هزینه‌های بالا، شستاب‌زدگی گروه‌ها در تولید نمایش و همچنین فقدان تشکیل کمپانی‌های باکیفیت تئاتری، به‌نفعی منتهی شده که چندان قابل دفاع کردن نیست و می‌بایست برای عبور از این مهلکه فی‌الواقع کاری کرد. نکته‌ای که در این سلسال‌ها به مرور وضعیت بغرنج‌تری به خود گرفته و موجب بی‌انگیزی افراد مستعد و خروج همیشگی شان از فضای تئاتر شده است.

امید است جشنواره امسال با دبیری خیرالله تقیانی پور به خوبی برگزار شده و محلی باشد برای خلاقیت و رفاقت گروه‌های تئاتری از. یاد نبریم که چگونه روزگاری جشنواره تئاتر فجر مهم‌ترین رویداد تئاتری کشور بود و استقبال از آن، امسری فراگیر میان خانواده تئاتری کشور. اینکه چرا این روزها فروغ گذشته را ندارد برخی است گشوده که باخ‌های جاشل بر انگیزی را طرح خواهد کرد. حال به دو اجرایی بپردازیم که به تازگی بسر صحنه بودند و توانستند به نسبت رضایت تماشاگران را جلب کرده و لحظات خوبی را خلق کنند. از دو کارگردان که محصول دانشگاه تهران هستند و فعال این عرصه پر از ماجراجویی و خطر.

نگاهی انتقادی به فیلم «آنورا» برنده نخل طلای کن ۲۰۲۴؛

چگونه یک فیلم معمولی، شاهکار سینمایی لقب گرفت؟



مادی گرایانه است که پسرک تنها به خاطر ثروت پدر و دختر به جهت نداشتن خانواده و اصالت در دست و حساسی، محکوم به زندگی متفاوتی هستند که شاید هیچ یک استحقاق چنین شرایطی را نداشته باشند.

از این گونه مواضع فرامتنی و غیر سینمایی آشکارا و مستقیم فیلم که بگذریم، بر روایت سینمایی آنورا از سه بخش تشکیل شده است: قسمت نخست به ماجرای آشنایی آنی و وانیا مربوط می‌شود و در این بخش که به نظر مطول‌ترین بخش فیلم است از تباطات جنسی آنی با مشتری‌ریان کلاب تصویر می‌شود و مشخص نیست این حجم از تصاویر جنسی به چه کارکرد دراماتیکی صورت گرفته‌اند، آیا حذف آنها خللی در ادامه داستان داشته یا خیر؟ به هر شکل آنی با وانیا به عنوان یکی از مشترک‌ترین عناصر، خوش گذران کلاب آشنا و شروع ارتباط آنها با تعامل پول و لذت از سر گرفته می‌شود. در قسمت دوم با ورود آدم‌های اجیر شده خانواده پسر، ارتباط آنی و وانیا دچار خدشه می‌شود و کوچکترین ضربه‌ای به این رابطه باعث پاشیدن آن و فرار پسر شوگن‌ذران از این خانه می‌شود. در این بخش نیز زمان طولانی از فیلم صرف‌را تباط آدم‌های روسی با آنی ترک شده و در ادامه پیداکردن پسر جوان شده است. این حجم از زمان فیلم نیز همانند بخش اول مطول به نظر می‌رسد و بسیاری از تخیلی و گریزها در کوتاهترین زمان ممکن قابل خلاصه کردن بوده‌اما آنچه به سبک فیلمسازی شان پیکر توصیف شده، سبب شده که تماشاگر مجبور شود این حجم از دنبال کردن وانیا در میان کلاب‌ها و گو و گو و موقعیت میان افراد به وجود آمده (کمدی این بخش از فیلم به دلیل کمدی خاصی که در گفت و گو و موقعیت میان افراد به وجود آمده) کمدی Slapstick یا بز و بکوب، بسیار مورد توجه قرار گرفته شده است و یکی از دلایل موفقیت فیلم عنوان شده است. در بخش پایانی، با ورود خانواده پسر جوان و اهتمام برای جدایی رسمی آنی و وانیا، طی اتفاقات محیرالعقولی محقق میشود و آنی در ازای دریافت مبلغی از وانیا جدا می‌شود و در انتها و در اتفاقی که اما و اگرهای زیادی پیرامون آن وجود دارد، آنی با ایگور که در ابتدا به عنوان یکی از آدم‌های پدر وانیا قصد آرام کردن او را داشته، حالا در ارتباط عاطفی میشود و فیلم با این آشنایی و ارتباط تمام می‌شود.

آنورا آخرین ساخته ششان بیکر فیلمساز

آمریکایی و برنده نخل طلای ۲۰۲۴ یکی از چالش برانگیزترین فیلم‌های این سال‌های سینمایی جهان و پربحث و جدل‌ترین فیلم

۲۰۲۴ است که موافقان و مخالفان دوآتشه بسیاری دارد. در حالی برخی فیلم را یک فیلم خیلی عادی و معمولی انگاشتند که گروه دیگر آن را در حد یک شاهکار سینمایی عنوان کرده و از جزئیات، مضامین و جوایز برجسته فیلم گفتند و نوشتند.

یکی از دلایل مهم برجسته شدن و دیده شدن فیلم در وهله اول، جایزه نخل طلای آن است حتی دو آتشه‌ترین طرفداران فیلم نیز نمی‌توانند ارتباط میان جایزه گرفتن فیلم و این حجم از دیده و پسندیده شدن آن را نادیده بگیرند چساکاگر این فیلم در جشنواره فیلم کن نخل طلارا دریافت نمی‌کرد این حجم از تعریف و تمجیداز فیلم بالانمی‌گرفت و اصلا فیلم دیده نمی‌شد چرا که شمار زیادی از افرادی که فیلم آنورا را دیدند (فارغ از اینکه پسندیدند یا راضی نبودند) دلیل اصلی و مهمشان این بوده که چرا این فیلم نخل طلاگرفته و حتما درونمایه یا مضمون خاص و اصلی در فیلم بوده که از سوی کن‌نشینان چنین منتخب و تحسین شده است.

مضامین اصلی فیلم در چند بعد قابل تحلیل است: نخست پرداخت به ماهیت یک کارگر جنسی به عنوان یک انسان دارای حیات است که در فیلم اصالت و وجاهت پیدا کرده است. اینکه ششان بیکر به آنورا به عنوان یک کارگر جنسی نگاه تحقیر آمیزی نداشته و آن را واجد حیات و مطرح شدن دانسته از سوی بسیاری از طرفداران فیلم یک امتیاز زاید الوصف عنوان شده که در سینمای روز جهان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. نه تنها در سینما بلکه در جوامع انسانی نیز نگاه عادی و معمولی به چنین افرادی مقبوح و غیر عادی است و همواره نگاه‌هایی با نوعی تحقیر و توهمین مواجه می‌شود؛ از این رو نفس پرداخت به آنورا به عنوان یک کارگر جنسی تشخیص یافته برای فیلم و شخص شان بیکر یک امتیاز متصور شده که باید دید این شاخصه به خودی‌خوی میتواند باعث برتسری و رجحان یک فیلم سینمایی باشد یا خیر؟

مضمون مهم دیگر فیلم پرداخت به روای آمریکایی و الیگارشی روسی است که در دو کاراکتر اصلی فیلم یعنی آنی و وانیا قابل تحلیل و بررسی است: آنی یک آمریکایی است که تاحدی با زبان روسی آشنایی دارد و وانیا یک آقازاده روسی است که پیوند این دو در فیلم قرار است به نوعی وجاهت این دو فرهنگ و جغرافیای اجتماعی را تبیین نماید. روپایی آمریکایی موضوعی است که در فیلم به بزرگی از آن یاد می‌شود و فیلمساز یکی از آرزوها و دلایل پیوند آقازاده روسی با دختر آمریکایی را همین آمریکایی شدن پسر جوان تبیین کرده است. از سویی دیگر روس‌ها در فیلم آدم‌های طماع، بی دست و پا و منفوری تصویر شدند که به طور طبیعی بانگاه منفی مخاطب روبرو شده و این چنین فیلمساز در سوگیری سیاسی اجتماعی خود در فیلم، اعلام موضع کرده است.

آنورا همچنین مواضع مارکسیستی و ضد سرمایه‌داری تندی دارد به طوری که در برخی لحظات از این فیلم سینمایی به یک بیانیه سیاسی بدل می‌شود و سعی دارد در ورای سرگرمی و فضای به ظاهر ساده خود، چنین مواضع عمیق و ظریفی را نیز منتقل نماید. جنگ میان کارگر جنسی فقیر و پسر جوان خوشگذران به نوعی تقابل دو دنیای متفاوت در جهانی عدالت زده و

بی‌شک تماشاگران درام‌های جنایی روانشناختی می‌توانند از تعلیق جاری و ساری در طول روایت لذت برده و به همراه شخصیت‌ها در پی کشف حقیقت و برپایی نظام اخلاقی افرادی باشند که در این منازعه پیروز شده‌اند. ستاره پسیانی، رامین سیاردشتی، پاشا رستمی و رامتین هوشمند چهار بازیگر اجرا بوده و توانسته‌اند فضای معمایی نمایش را اجراپذیر کنند و تجربه قابل‌قبولی را برای مخاطبان رقم بزنند.

نمایش دوم– تشنگان

امیر شمس بعد از مدت‌ها دوری از عرصه بازیگری تئاتر، به تازگی نمایشنامه‌ای از وجدی معود را در سالن انتظامی خانه هنرمندان بر صحنه آورد و در مقام کارگردان توانست نمره قابل‌قبولی دریافت کند. شش ماه تمرین مداوم یک گروه جوان و باتانگیزه، به اجرایی خلاقانه از نمایشنامه «تشنگان» منتهی شده بود که به واقع تماشایی و ناپهنگام به نظر می‌رسید. قصه نمایش در رابطه با پیدا شدن جنازه پرسی جوان بعد از پانزده سال است آن‌هم در کشور آرام و کم جمعیتی چون نروژ. ساختار روایی مبتنی بر تک‌گویی به همراه فضایی شاعرانه و استعاری، با همان تکنیک نوشتاری نویسنده‌ای چون وجدی معود که بر پایه تخیل و حاشیه‌روی‌های ماهرانه از منطقی بازنمایی استوار است، نمایشنامه تشنگان را به یکی از متن‌های قابل‌اعتنای این سال‌ها بدل کرده است.

امیر شمس تلاش کرده بود با خلق فضایی انتزاعی، کمابیش بر مهارت بازیگران تکیه کند و با تمایزگذاری مابین شیوه حضورشان، تشنگی هر کدام را با رنگ و بویی متفاوت بازتاب دهد. در این بین شخصیت موردک که سال‌ها پیش در رودخانه شهر غرق شده بود به تازگی ردپایی از جنازه‌اش پیدا شده، حال با حرف‌های موداموش که رنگ و بویی اعتراضی داشت، همه‌اهالی شهر را عاصی کرده و غافلگیر کرده بود. در نهایت اجرا بتعالبی، استعاری و رویکردی استعلائی، تاریخ مدفون شخصیت‌های نمایشی را رویت‌پذیر کرده و امکان رهایی و رستگاری را مابین این جماعت گرفتار زندگی روزمره مطرح کرده بود. نمایش تشنگان یادآور تئاتر دانشگاهی و از آثار تجربی و به یادماندنی امسال خواهد بود. اجرایی که بازیگرانش در انتها با پوشاندن صورت با پارچه‌ای رنگین، به سکوت تن داده و فیض رادر جهان سنسکولار جستجو می‌کنند حتی اگر گرفتار روان‌پریشی و زمان‌پریشی شده باشند.

ایراد فیلم آنورا از همین مضمون زدگی آغاز می‌شود که مهم‌ترین آفت فیلم‌های جایزه بگیر این سال‌های سینمای جهان (انگل ۲۰۱۹ و منتل غم ۲۰۲۲) است؛ فیلم‌هایی که صرف پرداختن به مواضع خاص و حمایت از اقلیت‌های فکری و اجتماعی همچون رنگین‌پوست‌ها، دگرپاش‌ها و…مورد توجه قرار می‌گیرند تا جایی‌که حتی شائبه سفارش‌بودن اینگونه آثار نیز به ذهن متبادر می‌شود. در آنورا نیز گویی پرداخت به زندگی یک کارگر جنسی اینقدر برای برخی سینمادوستان و داوران جشنواره کن جذاب و جریان‌ساز بوده که به صرف‌ت دادن مهم‌ترین جایزه فستیوال کن افتاده و شمار زیادی از تحلیل‌گران سینمایی و جامعه‌شناسان به تمجیداز این‌بیش و رویکرد آوانگارذ آمریکایی پرداختند. سازندگان آنورا گویی برای دکمه موردنظر خود کت و شلوار دوختند و سعی کردند برای مضمونی که ضد الیگارشی و شرق و در حمایت از آمریکا و رویاهای رنگین بوده و همچنین به همدلی با اقلیت کارگران جنسی پرداخته، قصه‌ای طراحی و اجرا کنند که به راحتی در یکی دو خط قابل تبیین است و این حجم از درازگویی در روایت مشخص نمی‌شود که برای چه منظور صورت گرفته‌است.

مشکلات فیلمنامه آنورا به این مضمون‌زدگی روایی و موضوعی محدود نمیشود و بسیاری از کنش‌ها و شخصیت‌پردازی‌های فیلم با ابهام مواجه و سرسری پاسخ داده میشود. فیلمساز به صرف اینکه داستان یک پسر خوشگذران و عیاش را تعریف کرده و فضای کمیک‌ی را در میانه آن جاشنسی فیلم کرده از پردازش شخصیت‌ها و باورپذیری خرده‌ها چشم‌پوشی کرده، غافل از اینکه بسیاری از این اتفاقات غیر قابل باور بوده و از همراه کنندگی تماشاگران می‌کاهد. شخصیت مهم فیلم در کنار آنی و وانیا زاخاروف، ایگور است که در ابتدا با رفتارهایی نامشخص و مبهم به آنی نزدیک می‌شود بعدتر باید باور کنیم که این رفتارها از سیمپاتی ایگور به آنی نشأت گرفته و خرده علاقه عاطفی میان این دو شکل گرفته است. حال آنکه بجز فضای همراه کننده فیلم که همان موضع فیلمساز است هیچ دلیل و زمینه‌ای در داستان و فیلمنامه برای نزدیکی ایگور و آنی و پیوند این دو در قصه وجود ندارد. از این دست ارتباطات و اتفاقات در فیلم کم نیست به طوری که فیلمساز خیلی ساده با توجیح استفاده از مواد، نسل زد بودن و غرق در لذت شدن از توضیح بسیاری از کنش‌های تعیین‌کننده شخصیت‌ها میگذرد؛ اینکه چرا وانیا به بیکاره فکر از دواج با آنی می‌افتد و آیا بهر آمریکایی شدن او راهکار راحت‌تری وجود نداشته؟ آیا وانیا در تمامی خوش گذران کلاب آشنا و آنی فکر کرده لحظه‌ای به پدر و مادر استعمارگر خود نیندشیده که وقتی خبر حضور آنها می‌رسد اینگونه برآشفته و ترسان لرزان معشوقه خود را و‌ها و دیگر به او باز نمی‌گردد؟ تحول شخصیت ایگور همچنان که گفته شد چگونه صورت گرفته و جای علاقه‌مندی دو طرفه این دو در حالی که آنی تا لحظات آخر در حال نزاع و فحاشی به او بوده چه زمانی بوده است؟. اینگونه سوالات و ابهامات در کنش‌ها و شخصیت‌ها کم نیستند تا جایی‌که بحث باورپذیری شخصیت‌ها با این رویکرد به شدت مخدوش و زیر سوال می‌رود.

بحث ریتم فیلم یکی دیگر از مهم‌ترین موضوعاتی است که پیرامون آنورا شکل گرفته است. ریتم تندی که جای تأمل و تمرکز به مخاطب نمی‌دهد و گاهی فواصلی از اولیه را برای جان‌باختن مواضع فیلمساز می‌کند اینک به بسیاری از اتفاقات مهم و نقاط عطف فیلم در ریتمی تند و تسریع اتفاق افتاده تنها به دلیل جذاب‌تر شدن فضای داستان و شخصیت‌ها نبوده و در برخی مواقع کلیدی به سرسری رد شدن از این اتفاقات بدون جا انداختن منطق آن برای تماشاگر نیز موجب شده‌است.

در باب محتوای پورنو گر افیک فیلم نیز اختلافات زیادی میان مخاطبان شکل گرفته است به طوری که بخش قابل توجهی از زمان فیلم صرف نشان دادن این تصاویر شده که به نظر نمی‌رسد تا این اندازه لازم و دارای کارکرد دراماتیک باشد. مساله اصلی این است که زندگی کارگر جنسی لزوماً با نشان دادن تصاویر پورنو گر افیک محقق نمی‌شود و پسندند کردن به یک سوم یا یک چهارم این صحنه‌ها نیز به کلیات موضوع منجر می‌شد ضمن اینکه فیلمسازی که به نقد سرمایه‌داری و رویکرد مارکسیستی در فیلمش اعتقاد دارد و اینگونه شرقی و الیگارشی متناسب به آن می‌نوازد چرا باید از یک فضای حجم جنسیت زده برای شروع فیلم خود استفاده کند و با وجود اینکه دوربین او قرار نیست همراهی اروتیکی با سوزه داشته باشد، نشان دادن این حجم از فضای پورنو گر افیک با چه توجیح منطقی صورت پذیرفته است آیا نباید علاوه بر مضمون زدگی، جنسیت‌زدگی را آفت فیلم بر سر و صدای شان بیکری دانست که خود را فیلمساز مستقل آمریکایی عنوان کرده اما در پرداخت روایی خود از مضامین اقلیت‌ها در آمریکا استفاده و به شدت سمیات غرب و ضد شرق بوده‌است؟